



[فوتو کريديت: ويکيپيڊيا](#)

تصميم مبنی بر تشکیل ولايات جديد جاغوری ، شيندند ، شنوار و پامير

نوشته: بخت بيک ميرزاده

۲۲ نومبر ۲۰۱۹



چند ماه قبل تصمیم مبنی بر تشکیل ولایات جدید جاغوری، شیندند، شنوار و پامیر رسانه‌ی شد. قابل



ذکر است که نه در مورد سایر واحد ها ، بل در برابر ولایت پامیر، طی پخش یک کلیپ صوتی، باعکس العمل عجیب از عصبیت با لحن غرض الود و ارایه دلایل برپایه قیاس های موهوم ، بی اساس و غیر واقعی ، توام با تهدیدهای حاکمانه ، آقای پدرام مواجه شد و آقای رحیم الله جرمی نیز طی نوشته یی، بجای مردمان اصلی و بومی (ولسوالیهای سرحدی جغرافیای فلات پامیر) به خود حق دادند تا در زیر غبار الفاظ و کلمات مالکانه این امر ناشی از حق مردم برای حل مشکلات شان را ، نادیده انگاشته و هر دو جناب موضوع را از ماهیت اصلی نیاز مندی های مردم پامیر زمین، در تشکیل ولایت خالی وبا اتکاء به تیوری توطیه طبق عادت همیشگی قومی ساختن

هرپدیده ، دست غرض و منافع این قوم و ضرر آن قوم را در این زمینه عنوان و قرینه باقی نمودند که گویا ، داکتر غنی وحکام تمامیت خواه پشتون ، با هویت تراشی ها و تشکیل ولایت پامیر، تلاش دارند تاجکها را پارچه کنند و نیروی شانرا تضعیف نمایند .

این اظهارات غیر مسوولانه با عکس العمل روشنفکران مناطق متذکره مواجه و طی نوشته ها مبنی بر ثبوت نیاز اهالی ولسوالیهای سرحدی بدخشان و برحق بودن این داعیه توضیحات لازم ارایه گردیده و به چنین شایعه پراگنی جواب رد ارایه گردید و متعاقب آن نمایندگان اهالی ولسوالیهای مربوط در ملاقاتهای شان با داکتر اشرف غنی رئیس جمهوری اسلامی افغانستان تصمیم تشکیل ولایت شانرا بحیث یک گام مثبت حمایت و استقبال نمودند. اما موضوع در همین مقیاس خلاصه نشد و معما اما در این روزها به گونه دیگر و بمراتب هیجان انگیزتر و مضحکتر و با ابهامات بیشتر از گذشته مطرح گردیده است .

گمانه زنی شبیه تبلیغات خاکستری این متفکرسیاسی اینبار فراتر از مرزها رفته و تشکیل کشور جدید از بدنه کشور های چین، پاکستان ، تاجکستان و افغانستان را مانند یک اسرائیل دیگر در حوزه پامیرپیش بینی میکند و درانجام این برنامه از تبانی مودی صدر اعظم هندوستان با نتانیاهو اسرائیلی وکشور های ایالات متحده امریکا و انگلیس و تلویحن با اشاره به اظهارات قبلی شان مبنی بر نیت و نقش زمینه ساز شهزاده کریم اقا خان امام و پیشوای کنونی اسماعیلیان جهان در این میان نیز تاکید مینماید. که این گونه اظهارات به دلایل ذیل، واهی و بدوراز واقعیت میباشد:

1. جز گمانه زنی ، منبع معتبرمؤید براینگونه اطلاعات تبلیغاتی ذکر نگردیده و وجود ندارد.

2. رهبر اسماعیلیان جهان بمنزله یک انسان خیر اندیش و امداد گر، مردمان کشور های فقیر افریقا و اسیا را در جهت انکشاف و فقر زدایی، تعلیم و تربیه و صحت و حفظ و غنای ارزشهای فرهنگی شان کمک و حمایت نموده و اصلن به مسایل سیاسی و چه بسا که تبانی در تغیر جغرافیای کشورها ،هرگذر در فعالیت های شبکه انکشافی آغا خان و فعالیت های ادارات ، نهاد

ها و نمایندگان در کشور های که حضورکاری دارند ، مطرح و شواهدی حاکی از چنین پلانه‌های احتمالی نه محسوس بوده و نه هم وجود داشته است.

تشکیل این کشور فرضی در قرن موجود آنهم از بدنه کشور های مقتدرمانند چین ، پاکستان و تاجکستان که در عقب و حمایت آن ابر قدرت نظامی روس و سازمان شانگهای قرار دارد و کشور ما افغانستان که هیچ فردی از مردم ان چنین انگیزه ، تفکر واهی و غیر عملی را در سر ندارد ، سوا از افسانه باقی مشوش کننده افکار عامه چیزی بیش نیست . اینکه آقای پدرام از کدام مرجع معتبر استخباراتی این معلومات را بدست آورده اند، باید بصورت مستند به مردم معلومات ارایه کنند. در غیر این همه خراسان ساختن مجدد با جغرافیای قبلی آن و پیش گوییهای نظیر این مصروفیت های فیسبوی و خود بزرگنمایی رسانه یی بیش نیستند. زیرا بیشترین حوادث مربوط به تغییرات جغرافیایی در سرحدات کشورها در قاره های مختلف (سوا از فرو پاشی اتحاد شوروی و تغییرات مربوط آن) مابقی بیشتر در دوران استعمار کهن و تا جنگ دوم جهانی صورت گرفته است که در وضعیت کنونی روند چند قطبی شدن مجدد جهان ، ظهور ابرقدرت اقتصادی مانند چین ، کسب جایگاه اتحاد شوروی توسط روسیه وجود ذخایر وحشتناک جنگ افزار های اتمی استراتژیک و خطرات ناشی از آن برای سیاره ما ، به این گونه روایات نمی شود، اعتبار چندانی قایل شد.

و اما در مورد اصل سوال : اگر آقای پدرام معتقد به اداره غیر متمرکز در کشور است و منحیت سردمدار قوم بزرگ تاجک ، در جهت برابری حقوق اقوام مبارزه میکند ، چرا بر علیه مردمان شغنائی ، اشکاشمی ، زیباک ، سنگلیجی ، منجی ، و اخی و غیره که مولفه های اساسی هویت قومی سوا از قوم تاجک را دارا بوده و در ولسوالیهای حوزه پامیر زندگی مینمایند ، با عداوت ارباب گونه برخورد مینمایند. به چه دلیل در برابر تشکل واحد اداری جداگانه در جغرافیای صعب العبور و دارای بعد مصافه شان از فیض آباد مرکز ولایت سنگ اندازی و تبلیغات سو به را می اندازند؟ مگر انها در قلمرو حکمرانی مستعمراتی حکمرانان هویتی اند که باید تهدید شوند؟

اگر چنین نیست پس این همه ادعا ها بنام حقوق اقلیت ها و حقوق شهروندی و بالاخره اداره غیر متمرکز چیست؟

بدون شک اعمال فشار در همه احوال از جانب هر قومی بر قوم دیگر و برای هر مردم و هر انسان حق تلفی و حقیر شمردن از جانب هر کسی و لو برادرش هم باشد قابل قبول و تحمل نیست . زیرا برادری بدون برابری همیشه منجر به بروز ناراحتی و حتی نزاع های خونین گردیده است. مردمان و اقلیت های حوزه پامیر نیز از این امر مستثنا نبوده این حق برابری در مقابل برادران تاجک، پشتون، ازبیک، هزاره و سایرین را برای خود محفوظ میدارند. بنابراین تشکیل ولایت پامیر بجز از فراهم آوری تسهیلات و تامین حقوق مردمان این مناطق برای دریافت خدمات بهتر ، به نفع و ضرر هیچ یک از افراد و گروه های قومی و سیاسی و در کل اقوام دیگر نیست و نخواهد بود. به افاده واضح فاشیزم از هر ادرس فردی و قومی که اعمال شود تفاوت و تقدس ندارد .

ادعا های دروغین تبلیغاتی سد کننده در برابر مردمان پامیر زمین و تلاش ها در اخلاص تشکیل ولایت شان و اتهامات بر رهبر مذهبی آنان همه شبیه همان اتهاماتی است که آقای پدرام به ادرس پیشوای تفکر سیاسی اش ، زنده یاد دانشمند محمد طاهر بدخشی چندی قبل در صفحات مجازی ناشیانه اظهار نموده

بود. مسلمان قبول و تایید آن مطالب برای هیچ فرد هموطن که از سطح درک سیاسی شخصیت شهید شاد روان بدخشی آشنایی حداقل دارد ، غیر قابل قبول و مضحک تلقی می‌گردد.

خوب است بجای پخش جعل و اکاذیب متکی بر تیوری توطیه و تخریرافکار و اذهان ، به صداقت و روشنگری باور و اعتقاد داشت . شاید که بعضن افکار عامه در کوتاه مدت به حرفهای احساساتی و تهییج کننده مجذوب شوند و اما در دراز مدت با عدم دریافت جواب های قانع کننده و راه های عملی برای تحقق شعارهای کاذب پشت میکنند و تا اخیر شکارش نمیشوند. رهبر شدن از دید گاه وسیع ملی و اوصاف عملی ، صداقت و پایداری بر میخیزد و نه اتهام بستن به دیگران و خود بزرگ نگری با طرحهای مورد و بی مورد غیر عملی جهت کسب احساسات مردم در بزنس سیاسی.